آیا تیراژ پایین مدیری را به تلویزیون برگرداند؟

فرهیختگان: مهران مدیری دوباره به تلویزیون بازگشته است تا با «اتاق عمل» بار دیگر تجربه مخاطب میلیونی را داشته باشد. او در حالی تلویزیون را به شبکه خانگی ترجیح داده است که گفته می‌شود بالاترین رقم فروش برای یک سریال پرمخاطب در شبکه خانگی نزدیک به ۱۵ هزار نسخه است. آن‌طور که سیدصادق موسوی مدیرکل نمایش خانگی سازمان سینمایی خبر داده است، بالاترین تیراژ در شبکه خانگی متعلق به یکی از قسمت‌های «قهوه تلخ» است که رقمی میلیونی بوده است. البته مجموعه «شوخی کردم» مدیری نیز در شبکه خانگی تیراژی کمتر از ۱۵ هزار نسخه داشته است و شاید یکی از دلایل مهم او برای بازگشت به تلویزیون همین مساله باشد.

کافه تماشا

معصومیت از دست رفته

فرهیختگان | تلویزیون امسال برای پخش سریال مناسبتی در محرم تدارک خاصی ندیده است. اما به جایش شبکه‌های مختلف اقدام به پخش مجدد برخی از کارهای تولید شده در سال‌های گذشته کرده‌اند. از آنجا که پخش این برنامه‌ها نیز با آگهی و میان‌برنامه و قسمت به قسمت همراه است- برای آنکه دل‌شان می‌خواهد در این یکی دو روز تعطیلی سریالی مناسب با محرم تماشا کنند- پیشنهاد می‌کنیم از نزدیک‌ترین محل فروش آثار نمایشی یکی از این سریال‌ها را تهیه کنید. «مختارنامه» داوود میرباقری و «شب دهم» حسن فتحی هنوز هم دیدنی هستند. «شب دهم» محصول سال ۸۰ است و بعد از ۱۳ سال همچنان قابل تامل است. داستان «شب دهم» روایت خانواده‌ای قجری است که در اواخر سال‌های حکومت رضا خان، به خاطرات سال‌های دور دل‌خوش کرده‌اند تا اینکه مرد شروری به سرقت از این خانه می‌آید و... بازی‌های کتایون ریاحی، رویا تیموریان، محمود پاک‌نیت، حسین یاری، ثریا قاسمی، پرویز فلاحی‌پور و آتش تقی‌پور هنوز هم به یادماندنی هستند.

ازجمله این سریال‌ها می‌توان به «باران عشق» احمد امینی، «سفر سبز» حسین لطیفی «افسون تهران» جواد هاشمی، «معصومیت از دست رفته» داوود میرباقری، «غریبان» قاسم جعفری، «روزهای اعتراض» حسین سهیلی‌زاده، «جابر بن حیان» جواد افشار، «پریدخت» سامان مقدم، «آخرین دعوت» حسین سهیلی‌زاده، «طفلان مسلم» مجتبی یاسینی، «بانو» فرید سجادی‌حسینی، «خون‌بها» جواد مزدآبادی، «تا رهایی» حسین تبریزی، «فرات» مازیار میری، «یه‌تیکه زمین» مهدی کرم‌پور، «یلدا» حسن میرباقری و «گندم‌های خیس یا رخنه» محمدحسین تبریزی اشاره کرد.

کتاب یک- کتاب دو

مفهوم خانه در کریسمس هیزم‌شکن

دینامیسم درخت

میلاد ظریف
داستان‌نویس

در «کریسمس هیزم‌شکن» دو مفهوم خاطره و خیال پیوندی ناگسستنی در متن دارند. از طرفی با خانواده چهار نفره‌ای روبه‌رو هستیم که هر سال عادت کرده‌اند به مرد هیزم‌شکنی که زیر پنجره خانه آنها بساط فروش درخت‌های کریسمس را برپا می‌کند و در غیبت ایشان دل‌شان شور می‌زند و خاطره‌بازی می‌کنند و از طرفی با مردی به نام وارس (هیزم‌شکن) طرف هستیم که با از دست دادن مادرش فقط خاطره‌ای از او برایش باقی می‌ماند و جهان بی‌انتهای خیال. خاطره و خیال تا جایی از کتاب به صورت مستقل و مجزا به راه خودشان ادامه می‌دهند و بعد از رفتن آن خانواده چهار نفره به دیدن هیزم‌شکن، خاطره و خیال به هم پیوند می‌یابند و به نوعی با متنی روبه‌رو می‌شویم که در آن دو مفهوم خاطره و خیال در پی عمق‌بخشیدن به هم درمی‌آیند؛ از این‌رو با رفتن آن خانواده به سراغ هیزم‌شکن و تعریف کردن علت غیبت چند ساله‌شان، این هیزم‌شکن است که انگار پا به مکان یا خانه‌ای جدید گذاشته و با گفتن خاطرات گذشته (گنجینه روزهای گذشته) متن را وارد سرزمینی می‌کند که ساکنانش دیگر وجود ندارند. پدر و مادری که مرده‌اند و خاطره آنهاست که وجود دارد. در بیرون از خانه هیچ‌چیز برای هیزم‌شکن وجود ندارد تا او را وارد سرزمین خیال‌انگیز شاعرانه‌اش کند؛ سرزمینی پر از درخت کاج و صنوبر. جایی که درخت‌ها جوانه می‌زنند و شیره مثل شربت از آن بیرون می‌زند. تا پیش از رفتن مادر احتیاجی به خاطره نبود و انگیزه‌ای بود که بعد از فروش درخت‌ها در شهر به شوق دیدار او خود را به خانه (مکانی برای خیال‌پردازی) برساند. بعد از رفتن مادر است که باید جایش را پر کرد؛ از فقدان و خلأ وجود آدمی. خانه نماینده و پیونددهنده خاطره و خیال می‌شود. خانه به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت ترکیب‌کننده اندیشه و خاطره و رویا جایی است که هیزم‌شکن خود را برای همیشه با آن پیوند می‌زند. هیزم‌شکن بعد از رفتن مادر دچار شوک می‌شود و با دیدن درخت‌هایی که بلااستفاده در پیاده‌روهای شهر افتاده بودند، فرصتی نصیبش می‌شود تا برای همیشه خود را با خانه به‌عنوان مکانی که رویابافتن را در آن تجربه کرده و خاطراتش از ماواهای گذشته در آن زنده می‌شود، پیوند زند. دیدن درخت‌هایی که با رنج و مشقت کاشته و به نوعی نماینده آن خاطرات هستند، خاطرات خوش گذشته را در او زنده می‌کند. انگار به نوعی شاهد آغاز به تاراج‌رفتن خاطره و خیال یعنی تنها دارایی‌اش می‌شود؛ خاطرات و خیالی از جنس کاج و صنوبر با برگ‌های سوزنی. صدای فریاد درخت‌هایی که می‌گفتند «بیا ما را از خیابان جمع کن» صدای خیالش می‌شود. والا که توی منهتن درختی وجود ندارد. پس راهی نمی‌ماند که خاطره و خیال را برگرداند به منزل همیشگی و رویاپردازی دوباره را تجربه کند. از این‌روست که درخت‌ها در نقش خاطره و خیال همگی دوباره برمی‌گردند به خانه یا در واقع خانه را به خانه بازمی‌گردانند. آری هیزم‌شکن تمام عنصرهایی را که مربوط به خاطره و خیالش است گردهم می‌آورد؛ حال می‌خواهد درخت‌های کریسمس مصرف‌شده باشد که گوشه پیاده‌رو انداخته شده یا فقط کاشتن درخت باشد. خاطره و خیال در بزرگ‌ترین گهواره دنیا یعنی خانه. کتاب کریسمس هیزم‌شکن داستانی در ستایش خانه است.

> تعزیه ریشه در سنت نمایشگری ایرانی دارد. نگاه مناسبتی به تعزیه و نمایش‌های آیینی عاشورایی و مذهبی باعث شده است بسیاری از تئاتری‌ها به این سمت نروند

کریسمس هیزم‌شکن
نویسنده: براد کسلر
مترجم: شمیم هدایتی
ناشر: نیلا

گزارش

گلایه‌های علی نصیریان از صدا و سیما

نگاه‌های سلیقه‌ای در تلویزیون حاکم شده

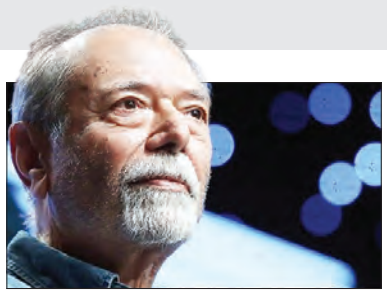

فرهیختگان | روزهای آخر مدیریت عزت‌الله ضرغامی مجال خوبی است برای بسیاری از ناگفته‌های آنهایی که در دوره ۱۰ سال قبل با تلویزیون همکاری داشته‌اند، اما بنابر دلایل مختلف از گفتن آن ابا کرده‌اند. این انتقادها این روزها حتی به رسانه‌های همسو با سیاست‌های ضرغامی کشیده شده و پای کارهای شاخص این دوره ۱۰ ساله نیز به میان آمده است. علی نصیریان که بی‌شک یکی از درخشان‌ترین بازی‌های تلویزیونی‌اش در سریال «میوه ممنوعه» است، یکی از غایبان اصلی تلویزیون در چند سال گذشته است. او هم به شبکه نمایش خانگی کوچ کرده است تا در سریال «شهرزاد» با حسن فتحی همکاری و خاطره خوب دو سریال «میوه ممنوعه» و «روشن‌تر از خاموشی» را زنده کند. نصیریان حضور کمرنگش در تلویزیون را به دلیل پیشنهادهای ضعیفی می‌داند که او را برای حضور دوباره‌اش وسوسه نکرده است. نصیریان ضعف سریال‌سازی در تلویزیون را به نگاه سطحی و سلیقه‌ای مدیران ربط می‌دهد و می‌گوید: «برای ساخت سریال‌هایی نظیر «میوه ممنوعه» باید ظرفیت‌ها را بالا برد و اجازه نداد نگاهی سطحی و سلیقه‌ای به این آثار شود. متاسفانه طی سال‌های اخیر برخی از نگاه‌های سلیقه‌ای در تلویزیون حاکم شد به‌گونه‌ای که اجازه ساخت سریال‌های اینچنینی داده نمی‌شود. هر چند این سریال در زمان پخشش هم با اصلاحات مواجه و برخی از سکانس‌های آن حذف شد.» نصیریان هم در زمره منتقدانی است که اعتقاد دارند ریزش مخاطب شبکه‌های تلویزیونی ایران باعث پرمخاطب شدن شبکه‌های ماهواره‌ای شده است. او گفته است: «تجربه نشان داده که هر وقت تلویزیون در ساخت آثارش موفق عمل کرده، مخاطبان جذب آن می‌شوند و گول رنگ و لعاب‌های سریال‌های ماهواره‌ای را که با فرهنگ ما در تضاد هستند، نمی‌خورند.»

محرم مجالی برای حفظ و گسترش آیین‌های نمایشی ایرانی

جریان معرفت در نمایش

اجرای برنامه‌های تعزیه در تئاترشهر، برج میلاد و مجتمع سینمایی کوروش

بهاءالدین مرشدی | بسیاری از سنت‌های نمایشی ایرانی دیگر کارکردشان را از دست داده‌اند و چیز زیادی از آنها نمانده است. آنچه مانده در دست قدیمی‌ترهاست که بسیاری از آنها هم آرام‌آرام از میان ما می‌روند و تنها شکلی خاطره‌انگیز از آنها بر جا می‌ماند. شاید این مساله طرح موضوعی قدیمی باشد که چه شده نمایش‌های سنتی ما که ریشه در آیین‌ها و قصه‌ها و ادبیات عامیانه ما دارد کم‌کم رو به زوال می‌گذارد. بخشی به تغییر فرهنگ ایرانی بازمی‌گردد و بخشی نگاه مدیران به این عرصه و بخشی هم به اطلاع نداشتن ما ایرانی‌ها و تئاتری‌ها از این سنت‌های نمایشی است که هنوز کارکردهای این نوع آثار را نمی‌دانیم و سعی نکرده‌ایم کارکردهای به روزی برای آنها داشته باشیم.

کارکردهای آیین

وقتی به کتاب «تاریخ تئاتر» نوشته اسکار براکت رجوع می‌کنیم در جلد اول و همان ابتدای ورود به تاریخ تئاتر در جهان است که کارکردهای آیین را برمی‌شمرد؛ کارکردهایی که می‌توان آنها را ازلی و ابدی به‌شمار آورد و همچنان می‌توان از آنها نام برد. براکت می‌گوید آیین شکلی از معرفت است که انسان می‌تواند رابطه خودش را با جهان تعریف کند. از آن‌سو آیین را روشی برای تعلیم می‌داند یا برای مهار حوادث احتمالی آینده و درنهایت هم می‌گوید آیین غالبا برای بزرگداشت نیروهای فوق‌طبیعی به کار می‌رود. همه اینهایی را که برشمردیم در تعزیه و بسیاری آیین‌های ایرانی وجود دارد و همچنان کارکرد دارد. مردم با حضور در مراسم تعزیه و آیین‌های عاشورایی مدام در حال نو و تازه کردن این آیین‌ها هستند. منتها بسیاری مشکلات بر سر راه این نو کردن کارکردها وجود دارد که بسیاری از جذابیت‌های آیینی چون تعزیه از بین رفته و شکل عوض کرده و ساختار قدیم خود را آرام‌آرام از دست داده است.

نگاه مناسبتی به تعزیه

زمانی «قهوه‌خانه»ها که امروزه بنابر ضرورت زمان در حال از بین رفتن هستند، خاستگاه نقالی بوده است. کارکرد نقالی در قهوه‌خانه‌ها همان کارکردهای آیینی را به خاطر می‌آورد و حالا با افول قهوه‌خانه‌ها و بسیاری اتفاقات مدرن دیگر نقالی رنگ می‌بازد، اما باید این را دانست که نقالی و شیوه‌های روایتگری ایرانی مثل پرده‌خوانی هنوز می‌تواند دستمایه‌ای برای اجرا باشد، به جای اینکه بگذاریم این نوع نمایش‌ها گوشه‌ای خاک بخورند و بعد هم از یاد بروند. اما تعزیه هنوز نفس‌هایی می‌کشد. شانس تعزیه در این میان این است که در روزمرگی‌ها و اعتقادات مردم همچنان حضور دارد. اما حضوری سال به سالی و تنها برای دو ماه. به جز آن دیگر نه از تکایا خبری است و نه از حمایتی از این نوع آثار و نه دیگر خاستگاهش میدان‌های مهم شهرهای مختلف است. همین شکل از نمایش هم اگر مورد حمایت قرار نگیرد شکل عوض می‌کند و جای خود را به شکل‌هایی بی‌ریشه خواهد داد. تعزیه ریشه در سنت نمایشگری ایرانی دارد. نگاه مناسبتی به تعزیه و نمایش‌های آیینی عاشورایی و مذهبی باعث شده است بسیاری از تئاتری‌ها به این سمت نروند و تنها قدیمی‌ها و در زمانی محدود به دو ماه بر صحنه و بعد به خانه‌هایشان بروند تا سال دیگر.

هنگامی که برای تهیه گزارش با یکی از کارگردان‌های نمایش‌های مذهبی تماس گرفتم تا درباره چندوچون اجرای نمایشش با او صحبت کنم گفت حاضر به صحبت درباره این کار نیست چون یک کار مناسبتی انجام داده و نمی‌خواهد درباره آن حرف بزند. مساله همین است که ساختار مدیریتی به سمتی رفته که به چنین نمایش‌ها و آیین‌هایی به شکل مناسبتی نگاه می‌کند و نتوانسته فرهنگ‌سازی درستی انجام دهد یا نمایشگران ایرانی ترجیح می‌دهند براساس درام غربی آثار خود را روی صحنه ببرند تا اینکه به نمایش‌های ایرانی و شکل و شمایل و کارکردها و ویژگی‌های این نوع روایتگری تکیه و آثار خود را تولید کنند. با این همه باید گفت زنده ماندن آثاری از این دست در زمان محرم و صفر هم غنیمتی است که می‌توان در جای‌جای ایران گروه‌های عزاداری را با شکل و شمایل‌های متفاوت و گونه‌گون دید.

آنها که روی صحنه هستند

این روزها اجراهای متعددی در سطح تهران برپاست. نمایش «ناگهان هذا حبیب‌الله...» نوشته عباس نعلبندیان و کارگردانی رضا دادویی به دلیل تندروی برخی گروه‌های اجرا لغو شد. دادویی در یادداشتی نوشته است: «عباس نعلبندیان نمایشنامه‌ای می‌نویسد به نام «ناگهان هذا حبیب‌الله...» و در صفحه اول کتاب خود آن را به امام حسین(ع) تقدیم می‌کند. چراکه باور دارد هنر تئاتر ازجمله راه‌هایی است که در زمان معاصر می‌توان با کمک آن، عموم مخاطبان به‌خصوص نسل جوان را با اندیشه‌ها و آرمان‌های آن امام بزرگوار آشنا کرد.» این دقیقا کارکردی است که می‌توان از این آیین‌ها انتظار داشت که متاسفانه بعضی وقت‌ها مشکلاتی بر سر راه چنین ایده‌هایی ایجاد می‌شود. افشین هاشمی نیز که در این شب‌ها اجرا دارد، می‌گوید: «همه جای دنیا فرم‌های کلاسیک را نگه می‌دارند و اجرا می‌کنند و حتی برایش نیروی جدید تربیت می‌کنند.» عباس غفاری کارگردان دیگری که نمایشنامه‌خوانی را در دستور کار دارد، می‌گوید: «برای اجرای آثار دینی و مذهبی باید به دنبال زبانی تازه و کشف قصه‌های جدید باشیم تا موضوعات را با زبانی امروزی مطرح کنیم. می‌توان طوری به قصه‌های مذهبی و قرآنی پرداخت که استقبال هر چه بیشتر مخاطب را به همراه داشته باشد. مخاطب امروز برای حرف‌های تکراری و کلیشه‌ای به سالن تئاتر نخواهد آمد.» این سخنان نشان می‌دهد که هنوز باید بتوان نیروهای جدید را براساس ساختار نمایش ایرانی تربیت کرد و نمایش‌هایی درخور را با چنین سنتی به روی صحنه برد.

تعزیه در سطح شهر

در این شب‌ها می‌توانیم برای دیدن نمایشنامه‌خوانی‌هایی با مضمون قیام عاشورا به تئاترشهر برویم و نمایش‌هایی چون «می‌خواستم ببوسمت باران گرفت» نوشته میلاد اکبرنژاد به کارگردانی فریدون محرابی، «آب مرا قصه کرد» نوشته سیدمهرداد ضیایی و کارگردانی عباس غفاری یا «مجلس شهادت شیرآهن کوه مردی که آسمان بر او نماز برد» به نویسندگی و کارگردانی افشین هاشمی را ببینیم. همچنین مجالس تعزیه به سرپرستی احمد عزیزی با موضوعات مختلف تا شانزدهم آبان ماه بعد از نماز مغرب و عشاء در محوطه باز مجموعه تئاترشهر اجرا می‌شود.

تعزیه «شهادت حر»، «حضرت علی اکبر»، «حضرت قاسم»، «حضرت عباس(ع)»، «حضرت سیدالشهدا(ع)»، «بازار شام»، «شهادت شاهچراغ» و « متوکل بن عباس» ازجمله این اجراهاست. امسال مجتمع سینمایی کوروش هم متولی شده و اجراهای تعزیه را در مکانی جدید تجربه می‌کند. این مجتمع در این شب‌ها میزبان تعزیه‌خوان‌های برجسته کشور است. فرهنگسرای ابن‌سینا نیز هفت مجلس تعزیه از سراسر ایران برای نخستین سوگواره تعزیه «خمسه» انتخاب کرده تا در سراسر ایران اجرا شوند. برج میلاد هم خیمه‌هایی برپا کرده و برنامه «سوگ جامه‌گان» را برگزار می‌کند که برای نخستین‌بار آیین مقتل‌خوانی در این برنامه‌ها به زبان فارسی و انگلیسی اجرا می‌شود.

سینما

امارات به فیلم‌های ایرانی جایزه نداد

مروارید سیاه برای «لویاتان»

فرهیختگان | **هشتمین دوره جشنواره فیلم ابوظبی شامگاه جمعه به کار خود در حالی پایان داد که برخلاف جوسازی برخی از رسانه‌های مخالف سیاست‌های فرهنگی علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نام هیچ فیلم ایرانی‌ای بین برندگان دیده نمی‌شود. در روزهای اخیر برخی از حاشیه‌سازان علیه فیلم «قصه‌ها»ی رخشان بنی‌اعتماد سعی کردند وانمود کنند عرب‌ها به استقبال این فیلم رفته‌اند و تلاش کردند این استقبال را به منزله مشکل‌دار بودن محتوای فیلم قلمداد کنند. اما جشنواره فیلم ابوظبی، عنوان بهترین فیلم بخش رقابت اصلی‌اش را به «لویاتان» آندری زویاگینتسف داد تا تاکیدی دوباره باشد بر شایستگی نماینده روسیه در اسکار امسال. این فیلم که تاکنون موفقیت‌های بین‌المللی زیادی در جشنواره‌های خارجی به دست آورده، جایزه بهترین بازیگر مرد این جشنواره را نیز برای آلکسی سربویاکوف به همراه آورد. لویاتان با آنکه نگاهی انتقادی به نظام حکومتی روسیه دارد، به‌طور رسمی از سوی روسیه به اسکار معرفی شده است.**

سینما

عشق و مصائب مرد ۵۰ ساله

«نهنگ عنبر» به جشنواره فجر می‌رسد

فرهیختگان | **سامان مقدم هم در فهرست فیلمسازانی قرار دارد که یکی از کارهایش پس از چندین سال هنوز اکران نشده است. «صد سال به این سال‌ها»ی او در حالی بلاتکلیف است که کارگردانش این روزها سرگرم ساخت فیلم تازه‌اش به نام «نهنگ عنبر» است. محمد احسانی معاونت نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی از این پروژه بازدید کرده است تا هم در جریان روند تولید از نزدیک قرار بگیرد و هم اینکه مطمئن شود برای اکران با مشکلاتی روبه‌رو نخواهد شد. فیلم «نهنگ عنبر» قرار است در جشنواره فیلم امسال اکران شود. در خلاصه داستان فیلم آمده است: «ارژنگ صنوبر (رضا عطاران) مردی ۵۰ ساله است که همراهش می‌شویم تا تجربه‌های متفاوت و پیچیده‌اش از عشق و مصائبی را که در زندگی دچارش می‌شود، برایمان بازگو کند.» با توجه به کارنامه سامان مقدم و حضور بازیگرانی همچون رضا عطاران، مهناز افشار، ویشکا آسایش، هانیه توسلی و امیرحسین رستمی پیش‌بینی می‌شود این فیلم یکی از گزینه‌های موفق گیشه در سال ۹۴ باشد.**

خط داغ

سینما

پرویز پرستویی

فرهیختگان | «امروز» گزینه معرفی‌شده سینمای ایران به اسکار امسال موفق شده است سه جایزه اصلی بیستمین جشنواره سینمای مولف «رباط» کشور مراکش را به دست بیاورد. یکی از این جایزه‌ها به پرویز پرستویی داده شده است تا عنوان بهترین بازیگر مرد برای او باشد. به حتم این موفقیت برای «امروز» به اکران بین‌المللی آن نیز کمک می‌کند تا شانس بیشتری برای قرارگرفتن در لیست نهایی فیلم‌های غیرانگلیسی‌زبان اسکار به دست آورد.

سینما

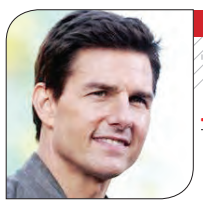

تام کروز

فرهیختگان | لابد هستند مشتری‌هایی که حاضر باشند برای خانه ۱۰ هزار فوت مکعبی تام کروز ۵۹ میلیون دلار پرداخت کنند که بنگاه معاملات بین‌المللی «ساتبی» آن را با چنین قیمتی به معرض فروش گذاشته است. این خانه چهار خواب، شش حمام و دستشویی، کتابخانه و باشگاه ورزشی، یک اتاق بازی و زمین ورزشی دارد و به سال ۱۹۹۴ در ۲۹۸ هکتار ساخته شده است. یک خانه سه‌خوابه به مساحت ۱۶۰۰ فوت مکعب هم ویژه میهمانان در نظر گرفته شده تا همه چیز برای این پردرآمدترین بازیگر هالیوودی سال ۲۰۱۲ با بیش از ۱۰۰ میلیون دلار مهیا باشد.

تلویزیون

علی‌اصغر پورمحمدی

فرهیختگان | یکی از شبکه‌هایی که در چند سال اخیر و پس از مدیریت علی دارابی بر معاونت سیما بیشترین آسیب را دید و ریزش مخاطب زیادی داشت، شبکه سه سیما بود که مدیر باتجربه‌اش علی‌اصغر پورمحمدی کنار گذاشته شد. چندی بعد از پورمحمدی، محمدرضا تخشید، مدیرگروه فیلم و سریال این شبکه نیز قربانی حواشی مربوط به سریال «سرزمین کهن» شد. حالا گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که در صورت ریاست محمد سرافراز بر سازمان صداوسیما، علی‌اصغر پورمحمدی دوباره به مدیریت شبکه سه منصوب شود. محمدرضا جعفری‌جلوه، محسن مهاجرانی و حسین کرمی از دیگر مدیران صداوسیما هستند که زمزمه‌های بازگشت‌شان به تلویزیون قوت گرفته است.

تجسمی

علی پروین

فرهیختگان | پس از آنکه علی پروین سر صحنه فیلم «علی پروین» رفت، زمزمه‌هایی شنیده شد که دختر او قرار است در فیلم «متروپل» کیمیایی بازی کند. گرچه این اتفاق نیفتاد، اما لادن پروین، بازیگر فیلم «دربست آزادی» مهرشاد کارخانی شد. حالا نمایشگاهی در گالری شکوه برگزار شده است که علی پروین سوژه نقاشی‌های نمایشگاهی به نام «مرز پرگهر» است. آناهیتا درگاهی همسر محمد پروین نقاش این آثار است. عروس علی پروین در یکی از تابلوهایش لحظه‌ای تاریخی از بازی علی پروین در تیم ملی فوتبال ایران را به تصویر کشیده است.